اقتصاد ایران

گذر پوپولیسم از چپ اقتصادی . . . ۱۲

اقتصاد ایران

تعویق نشست هند تا ۱۲ مرداد . . . ۱۲

بورس

احتمال واگذاری سهام بیمه‌ها . . . ۱۳

بازار

مصالح ساختمانی نامناسب ممنوع ۱۴

رئیس اتاق بازرگانی ایران:

بخش خصوصی برای خرید واحدهای دولتی اصرار نکند

حضور مسئولان اجرایی کشور در جلسات صبحانه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران موجب شده برخی گره‌ها از دست تولیدکنندگان باز شود. گرچه بندها و گره‌های کور تولید و تجارت در ایران چنان است که به این زودی در چند جلسه حل نمی‌شود. گویی زمانی به اندازه زمان ایجاد مشکلات وجود دارد تا مشکلات بخش خصوصی اندکی مرتفع شود. روز گذشته هم قرار بود علی سعیدلو معاون اجرایی رئیس‌جمهور در جمع نمایندگان بخش خصوصی حاضر شود و نظرات و مشکلاتشان را بشنود. سعیدلو اما بدون خبر دادن به برگزارکنندگان، در جلسه حاضر نشد. سعیدلو نیامد تا نشان دهد هنوز هم عزم چندانی برای رسیدگی به مسائل بخش خصوصی وجود ندارد. با نیامدن سعیدلو اما نمایندگان بخش خصوصی با نمایندگان دولتی اتاق بازرگانی به تبادل نظر پرداختند. گرچه برخی از حضار همچون دکتر عقیلی مدیرعامل بانک کارآفرین با نیامدن سعیدلو، جلسه را ترک کردند. مهمترین چالش جلسه بحث درخصوص عدم توانایی بخش خصوصی برای دریافت واحدهایی که طبق اصل ۴۴ واگذار می‌شوند، بود. بحثی که خاموشی بر آن تبصره گذاشت.

■ **بخش خصوصی بدهکار است**

محسن شاطرزاده معاون تولید، اقتصادی و بین‌الملل وزارت صنایع که به نمایندگی از دولت در اتاق حضوردارد جزء نخستین کسانی بود که برای صحبت کردن وقت گرفت. شاطرزاده پیش از شروع سخنانش یادآوری کرد که به عنوان یک شخص حقیقی صحبت می‌کند و سخنانش ربطی به سمت دولتی او ندارد: «عرض می‌کنم که مقام رهبری به عنوان هدایت‌کننده سیاست‌های جامعه، نقش خود را ایفا کردند و ابلاغیه دقیقی ارائه دادند. تاکنون کمتر به متن ابلاغی اصل ۴۴ دقت شده است. کسی نمی‌تواند یک قسمت از پیام را بگیرد و بقیه را رها کند.» وی تاکید کرد که خطاب به بخش خصوصی صحبت می‌کند: «تاکنون بخش خصوصی طلبکار بوده، از حالا به بعد بدهکار است. باید دید چه ظرفیتی در بخش خصوصی ارائه شده است که این بار را به دوش بکشد. سرمایه‌های بخش خصوصی خرد است. اگر بخش خصوصی می‌خواهد وارد بازار ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی واگذاری اموال دولتی شود، باید بسترهای لازم را فراهم کند. بخش خصوصی آماده نیست.» وی یادآور شد: «چند سال است که ۲۰ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاهی قابل واگذاری بر بخش خصوصی ایجاد شده است. اما چند واحد خصوصی واقعی رفت و از این فرصت استفاده کرد. در مورد فولاد هم بخش خصوصی رغبت ندارد وارد شود. از ۶/۵ میلیون تن تولید، رغبت بخش خصوصی کم شده است. بخش خصوصی می‌گوید دولت یک چیزی واگذار کند، ما اگر خواستیم می‌گیریم. بخش خصوصی باید خود را نقد کند. با نگاه سنتی نمی‌شود وارد گود جدید شد. با سرمایه بزرگ می‌شود وارد گود شد. نگاه به بخش خصوصی، نگاه به کدام قشر و طبقه است. باید بخش خصوصی را اکثریت مردم در نظر بگیریم. روزی در واگذاری موفق شده‌ایم که همه مردم را شرکت دهیم. در فرانسه بین سال‌های ۹۶ تا ۹۷، ۳۰ شرکت بزرگ دولتی خصوصی شد. در فرانسه از طریق بانک‌ها به سپرده‌گذاران - با هر حجمی - اطلاع دادند که می‌توانند سهام چه شرکت‌هایی را خریداری کنند. ظرف ۶ ماه از همین طریق، ۳۰ شرکت بزرگ خصوصی شد.»

■ **پذیره‌نویسی شرکت‌های سرمایه‌گذاری عام**

علینقی خاموشی تند و صریح صحبت می‌کند. رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران همواره چنان محکم و بلند سخن می‌گوید که همه حضار ساکت می‌شوند. در موقع پاسخ دادن خاموشی به نظرات شاطرزاده هم هیچ‌کس سخن نمی‌گفت. چنانکه او بیش از همه حضار سخن گفت و با پایان سخنانش، نمایندگان بخش خصوصی برای او دست زدند. علینقی خاموشی گفت: «با نیامدن سعیدلو، جلسه انحراف پیدا کرد. اما از زوایای مختلف بحث خوب و مفیدی شد. من از طرف خودم صحبت می‌کنم. البته نماینده دولت هم خودش را به عنوان نماینده بخش خصوصی معرفی و صحبت کرد. ببینید! فرمان رهبر انقلاب سه بخش دارد. بخش الف و ب، مدت‌ها پیش اعلام شد. بند (ج) دو هفته است که ابلاغ شده است. اول باید بند «الف» و «ب» اجرا شود، بعد «ج».» خاموشی خطاب به نمایندگان بخش خصوصی گفت: «بخش خصوصی برای خرید واحدهای دولتی اصرار نکند. وقتی انحصار برداشته شد، نشان بدهیم که توان داریم مطابق صنعت‌گران دنیا پرواز کنیم. آنچه تاکنون بال و پر ما را شکسته، سیاست‌های حاکم بر اقتصاد کشور بوده.

هیچ‌کس در دنیا با ثروت به دنیا نیامده مگر آنکه ارث داشته باشد. بقیه آمده‌اند کار کنند و ثروتمند شوند. بخش خصوصی ایران نسبت به بخش خصوصی خارج کمبودی ندارد. اول محیط را باز کنید، بعد ببینید بخش خصوصی بلد است پرواز کند یا نه. مقام رهبری گله کردند از اینکه چرا بند «الف» و «ب» که چندی است ابلاغ شده، اجرا نمی‌شود.» وی به بیان چند نکته در این خصوص پرداخت و گفت: «۱ - منابع ملی، ۲ - روان بودن سرمایه‌گذاری در بخش‌های آزاد شده. تاکنون برای باز کردن جریان اعتبار به روی بخش خصوصی، قانونی ابلاغ نشده، تدوین نشده و حتی برای آن فکر هم نشده است. تازه این کار در دولت مخالف هم دارد. قبل از انقلاب اعتبارات سرازیر شده از خارج به بخش خصوصی، بیش از جذب اعتبار دولت شاهنشاهی بود. از اول انقلاب تاکنون به هر عنوان و با هر سیاستی، اعتبارات خارجی برای بخش خصوصی، صفر شده است.» خاموشی تذکر داد: «بخش خصوصی اجازه ندارد از محل فاینانس خارجی جذب پول کند و آن را به ایران بیاورد. الان تاسیس یک نیروگاه برق ۳۵۰ کیلوواتی، حدود ۵۰۰ میلیون دلار هزینه دارد. چه کسی چنین پولی را از توی بالش در می‌آورد. همه‌جای دنیا، چنین سرمایه‌گذاری از طریق فاینانس انجام می‌شود. در ایران محال است از حساب ذخیره ارزی هم ۵۰۰ میلیون دلار به یک واحد بخش خصوصی وام بدهند.» خاموشی گفت: «ما می‌توانیم از خارج پول بیاوریم. حتی الان که تحت فشار هستیم. دستور آقا عملاً به دولت و سیستم بانکی است. دو سال است گفته شده فضا را باز کنید، اما هنوز فضا برای بخش خصوصی باز نشده است. اگر مثلاً برای احداث نیروگاه، نرخ‌ها را به قیمت بین‌المللی حساب کنند و برق تولیدی را به نرخ بین‌المللی بخرند، ظرف سه سال سرمایه برمی‌گردد. این‌طوری بخش خصوصی هم رشد می‌کند. آیا سرمایه‌گذاری سنگین دولت در ذوب‌آهن از منابع خارجی بوده یا از منابع بودجه. فولاد مبارکه از خارج فاینانس کرد یا از منابع داخلی بهره برد؟ یک واحد پتروشیمی مثال بزنید که با منابع خالص دولتی احداث شده باشد. بخش خصوصی برای احداث یک واحد پتروشیمی ۲ میلیارد دلاری، نمی‌تواند از فاینانس خارجی استفاده کند. اگر بکند دولت ایراد می‌گذارد. عجیب است در چنین شرایطی، همه درباره مدیریت بحث می‌کنند، مشکل مدیریت نیست. اگر واحد دولتی، خصوصی شود همان مدیر دولتی می‌شود مدیر خصوصی. خطاب می‌کنم به نمایندگان بخش خصوصی. در خرید واحدهای دولتی اصرار نداشته باشید. آنچه به ما شخصیت می‌دهد، آن است که انحصار را برداریم.»

خاموشی پیشنهاد کرد: «باید شرکت بزرگ سرمایه‌گذاری عام درست کنیم. در تهران ۱۰ شرکت و در شهرستان‌ها یک تا سه شرکت. این شرکت‌های عام تشکیل شود که به ضعف سرمایه متهم نشویم. بلافاصله هم این شرکت‌ها را وارد بورس کنیم. ما پذیره‌نویسی چنین شرکت‌هایی را شروع کردیم. سرمایه اولیه را به دلیل حضور نمایندگان رسانه‌های جمعی نمی‌گویم.»

وی در مورد خصوصی‌سازی گفت: «خصوصی‌سازی در برنامه اول، دوم و سوم بود. در برنامه چهارم هم هست. به عقیده صاحب‌نظران، خصوصی‌سازی در ایران شکست خورد. آسیب‌شناسی‌ها می‌گوید، مسئولان خصوصی‌سازی بیش از همه به دادگستری و دادگاه رفتند. بخش خصوصی هم که واحدها را خرید مورد اتهام قرار گرفت. مشکل خصوصی‌سازی ایران در یک چیز خلاصه می‌شود: قیمت‌گذاری. به جرات قسم می‌خورم در هر سه برنامه، هدف از خصوصی‌سازی جبران کمبود مالی دولت بود. وقتی هدف این است قیمت‌گذار چه وظیفه‌ای دارد؟ قیمت‌گذار باید بالاترین قیمت را روی آن واحد بگذارد. مقام رهبری گفته در واگذاری واحدها طبق اصل ۴۴، خرید و فروش طوری باشد که بازده اقتصادی داشته باشد.» سخنان خاموشی با دست زدن حضار همراه شد و بلافاصله شاطرزاده برای پاسخگویی وقت گرفت.

■ **بخش خصوصی اپوزیسیون دولت نیست**

محسن شاطرزاده خیلی کوتاه توضیح داد که «نظر آقای خاموشی را تایید می‌کنم. اما صحبت من این بود، امروز که به بخش خصوصی فرصت دادند، بخش خصوصی با اپوزیسیون‌گری نمی‌تواند وارد این فضا شود. بخش خصوصی اپوزیسیون دولت نیست. فرمایش آقای خاموشی در قالب یک پکیج، قابل بررسی است. همه‌کاره، شرکت سرمایه‌گذاری نیست. درخصوص پروژه‌های نیروگاهی، بخش خصوصی، رغبت کمی نشان داده است. وگرنه واحدهای خصوصی هم که آمدند با استفاده از فاینانس وارد شدند و دولت فاینانس آنها را تضمین می‌کند. تاکنون بخش خصوصی در ۱۸ نیروگاه با فاینانس وارد شده است.»

■ **رابطه مالکیت، حاکمیت و مدیریت**

یحیی آل‌اسحاق وزیر اسبق بازرگانی هم که اکنون به‌عنوان رئیس انجمن علمی بازرگانی کشور و قائم‌مقام بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی است، نکات خود را ارائه کرد: «سه واژه هست که اگر درست تعریف نشود و روابط بین آنها را مشخص نکنیم، در عمل دچار مشکل می‌شویم: مالکیت، حاکمیت و مدیریت.

این سه باید تعریف مجدد شود. در جمهوری اسلامی باید این سه تعریف شود و نقطه بهینه ارتباط آن را مشخص کنیم. ما تجربه ۲۷ساله داریم. به دلیل واقعیت‌ها و نیازها، تحول در حال وقوع است. بحث اصل ۴۴، در مورد سرمایه ملت است. اگر واگذاری‌ها محقق شود، انقلاب اقتصادی رخ داده است.» وی در مورد واگذاری‌ها گفت: «شخص تحویل‌دهنده مشخص است اما تحویل گیرنده سه شعبه می‌شود. بخش خصوصی، تعاون و نهادها. نکات آقای شاطرزاده هم قابل تامل است. امکان تحویل این بار وجود ندارد. اگر این حرف من گران است عذر می‌خواهم. نهادها هم اگر می‌خواهند تحویل بگیرند باید تغییر ساختار بدهند. تعاونی‌ها هم هنوز آماده نیستند. لازمه کار ترمیم و توسعه نیست بلکه تحول است.»

■ **نگرانی از سخنان دانش‌جعفری**

فرهاد فزونی رئیس اتاق ایران و عراق هم گفت: «بدون شک فرمان مقام رهبری تصور زیبایی را برای پخش خصوصی به‌وجود آورد. راه رسیدن به آن هم ساده نیست. تا پیش از چاپ شدن مصاحبه دکتر دانش‌جعفری امیدوار بودیم. در مصاحبه ایشان دو مسئله مورد توجه بود. نحوه توزیع سهام یا تبدیل آن از مالکیت دولتی به خصوصی و زمانی که برای آن پیش‌بینی کرده بودند. مقام رهبری صراحتاً دستور داده بخشی از سهام در قالب تعاونی توزیع شود. دولت قصد دارد هلدینگ استانی ایجاد کند و سهام کارخانجات را به این هلدینگ‌ها بدهد. بعد سهام هلدینگ‌ها در اختیار دو دهک پایین به‌عنوان سهام عدالت- قرار گیرد. دو دهک پایین جامعه نه تجربه دارند و نه دانش و توان تاثیرگذاری در تصمیمات اقتصادی. تعاونی هر چقدر کوچک باشد، کار اقتصادی می‌کند و با الفبای آن آشنا است. در صورت دادن سهام به دودهک پایین، کماکان مدیران، منصوبین دولت خواهند بود. این خصوصی‌سازی نیست. مالکیت سهام تنها دلیل خصوصی بودن نیست. وقتی شرکتی خصوصی است که مدیریت آن و برنامه‌هایی که روی آن کار می‌کنیم، خصوصی باشد. مقام رهبری در بند هشت ابلاغیه گفت «اجرای طرح نباید موجب تداوم تصدی دولت در واحدها شود. در این روش دولت مدام درگیر است. جهرمی وزیر کار هم نکته‌ای گفت که دلسردکننده است. گفتند همه قوانین کشور باید بازنگری شود. در مجلس با سیستم فعلی زمان بسیاری صرف می‌شود تا قوانین بازنگری شود. از طرفی سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی سرمایه‌گذاری جدید را برای بازسازی و نوسازی متوقف کردند. در نتیجه دو، سه سال دیگر صنایعی داریم که از نظر تکنولوژی و بازسازی عقب افتادند و می‌خواهیم آنها را بفروشیم. ضرر و زیان این موضوع بسیار زیاد است. تصور من این است که باید سعی کنیم قیمت‌گذاری و نظارت و آزادسازی، مقدم بر خصوصی‌سازی انجام شود. درحالی که دانش‌جعفری گفته بعد از خصوصی‌سازی، آزادسازی می‌کنیم. صراحتاً گفته دولت قصد خروج ندارد و ۲۰ درصد سهام واحدها را نگه می‌دارد. تصمیم‌گیری‌هایی که در مورد نرخ بهره و سیمان دیدیم، بخش خصوصی را وحشت‌زده کرده. می‌ترسیم صورت مسئله پاک شود.»

■ **مشروع یا غاصب**

محمد نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی تهران و رئیس جلسه نیز در مورد اظهارات فزونی گفت: «درخصوص نگرانی ایشان برای ایجاد دستگاه جدید تحت مدیریت دولت ابلاغیه جواب روشن دارد. ابلاغیه به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد تصدی جدید ایجاد شود. شبیه به همین نگرانی را من هم در جلسه مربوط به اصل ۴۴ مطرح کردم. وزیر اقتصاد پاسخ داد که طرح ما این نیست که دولتی شود بلکه هر چیز خصوصی می‌شود. نمی‌خواهیم چیزی تشکیل شود به‌نام تعاونی اما در درون سیستم دولتی باشد. در بند (ج) الزامات در قسمت (۶) تغییر نقش دولت، تصریح شده است. نحوه کشورداری در مسائل اقتصادی هم باید دگرگون شود. باید بخش خصوصی برای ورود در بخش‌هایی که واگذار می‌شود امکان‌سنجی اقتصادی انجام دهد و در عین حال دولت هم اطلاعات لازم و دقیق را در اختیار بخش خصوصی بگذارد.» وی تصریح کرد: «ضمناً باید از دادن حکم کلی مبنی بر آمادگی نداشتن بخش خصوصی اجتناب کنیم. چرا که برخی بخش‌ها آماده هستند و در برخی آمادگی لازم وجود ندارد.»

در پایان جلسه آقای سعیدی هم تذکر داد که «فرمان رهبری هر لحظه که به تاخیر بیفتد دولت مقصر است. دولت مشروعیت خود را از رهبری می‌گیرد و اگر فرمان رهبری را بر تاخیر بیندازد، غاصب است.»

خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی ایران

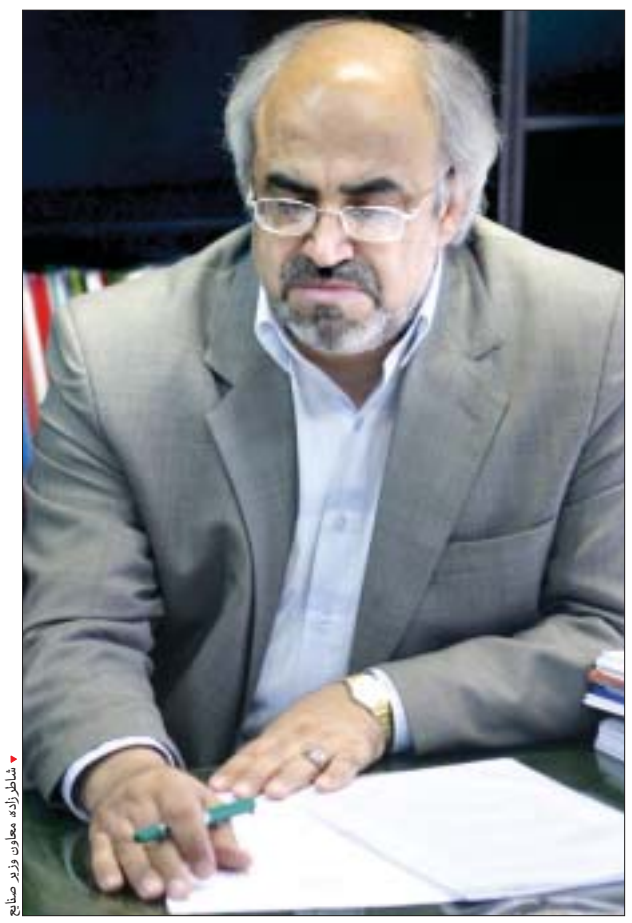

شاطرزاده معاون وزیر صنایع

بهنار صادق‌پور

معاون وزیر صنایع:

بخش خصوصی نمی‌تواند با اپوزیسیون‌گری وارد شود

وزیر بازرگانی در مراسم افتتاح جشنواره الکامپ خبر داد:

طرح صدور گواهی امضای دیجیتالی تا پایان شهریور

ایسنا: وزیر بازرگانی گفت: با بهره‌برداری از طرح صدور گواهی امضای دیجیتالی که قبل از نیمه سال جاری آماده بهره‌برداری می‌شود، هر فردی که بخواهد در شبکه تجارت جهانی فعالیتی انجام دهد، به راحتی می‌تواند از طریق اینترنت اقدام کند و از جهت نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و امنیت این سیستم اطمینان وجود دارد.

مسعود میرکاظمی در مراسم افتتاحیه دوازدهمین نمایشگاه الکامپ که از صبح دیروز آغاز شد، با اشاره به اهمیت و اثربخشی فناوری اطلاعات در زندگی مردم گفت: متاسفانه در کشور به برخی از مزیت‌ها و استفاده‌هایی که این فناوری می‌تواند داشته باشد، به خوبی توجه نشده است، به ویژه این فناوری در حوزه کسب و کار از اهمیت خاصی در نظام‌های مختلف در جهان برخوردار است.

وی با تاکید بر این‌که این فناوری رقابت سختی را در جهان به وجود آورده است، اظهار داشت: با استفاده از IT این توان به وجود آمده که در کمتر از ۴۸ ساعت بازار محصول شناسایی، طراحی و متناسب با نیاز مشتری به بازار عرضه شود؛ بنابراین به طور قطع این کار با روش سنتی امکان‌پذیر نیست و این مباحث موضوعات بسیار پراهمیتی است که امروز در دنیا در حال وقوع است و ما نیز نباید از این قافله عقب بمانیم.

وزیر بازرگانی در ادامه با بیان این‌که ICT امروزه محور تحول در بنگاه‌ها شده است، گفت: چرخه عمر محصولات به خصوص محصولات الکترونیکی در بازار به طور مرتب در حال تغییر است و چرخه عمر آنها کم شده است، چگونه می‌شود به سرعت نیاز بازار شناسایی، طراحی شده و مواد اولیه نیز تامین و از طرفی خدمات بعد از فروش نیز در بازه زمانی کوتاه مدت فراهم شود؟ وی در ادامه خاطرنشان کرد: ایجاد شبکه یکی از محورهایی است که برای رسیدن به این منظور باید به آن توجه شود؛ در این رابطه بحث سخت افزاری و نرم افزار، ارتباط در شبکه و موضوع امنیت نیز بسیار مهم است که باید در کشور ایجاد و زیرساخت‌های مورد نیاز نیز برای آن فراهم شود و وزارتخانه‌های مربوطه ماموریت دارند این کارها را انجام دهند.

وزیر بازرگانی در ادامه به موضوع امنیت شبکه‌ها اشاره و تصریح کرد که چه کسی متولی امنیت شبکه‌ها در کشور است؟

وی در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: باید برای فعال کردن تجارت الکترونیکی به مباحثی چون ارتباطات، سخت افزار، امنیت شبکه و قوانینی که باید برروی شبکه فعال شود، توجه شود.

میرکاظمی اظهار داشت: در چند ماه گذشته جلسات و برنامه‌ریزی‌هایی در وزارت بازرگانی درباره مباحث مرتبط در این حوزه که وزارت بازرگانی مسئولیت انجام آن را به عهده داشت برگزار شد و تیم‌های جدیدی ایجاد شده‌اند.

وی در ادامه به موضوع امضای دیجیتالی اشاره کرد و اظهار داشت: بحث ارتباطات این موضوع در وزارت ICT برگزار می‌شود، و تعاملاتی نیز در این زمینه با بانک‌ها انجام شده و با بهره‌برداری این طرح از این پس هر کسی که بخواهد در شبکه تجارت جهانی فعالیتی انجام دهد، به راحتی از طریق اینترنت می‌تواند اقدام کند و از جهت نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و امنیت این سیستم اطمینان وجود دارد.

وزیر بازرگانی در ادامه با تاکید بر این‌که بخش توسعه اقتصادی کشور مرهون ICT است، گفت: حجم بالایی از شناسایی بازار، حضور و پایداری در بازار توجه به موضوع ICT است. به گزارش ایسنا وی در ادامه به سیستم پرداخت پول همزمان با خرید محصول کشاورز اشاره کرد و گفت: تا به امروز به حدود ۹۰۰ هزار کشاورز پولی در حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت شده است.

وی به سیستم خرید گندم که در حال حاضر در ۱۷ استان اجرایی شده است، اشاره کرد و گفت: این سیستم تا شهریورماه تمام می‌شود و از این پس میزان واردات و صادرات در این حوزه قابل کنترل خواهد بود. او در ادامه به بحث طبقه‌بندی و کدینگ ملی در کشور که یکی از فاکتورهای مهم تجارت است، اشاره کرد و افزود: این موضوع تا ماه آینده به شکل رسمی اعلام می‌شود و تولیدکنندگان می‌توانند از طریق اینترنت کالاهای خود را تعریف کنند.

وی با بیان این‌که فرهنگ‌سازی در مباحث IT بسیار قابل اهمیت است، اظهار داشت: در بحث پیاده‌سازی سیستم‌ها، ۷۰ درصد یک موضوع به فرهنگ‌سازی و اجرای مناسب آن سیستم در جامعه مربوط می‌شود و امیدواریم در سال آینده در نمایشگاه شرکت‌هایی حضور یابند که هنر مدیریت تحول داشته باشند.

تفسیر اقتصادی

چرخ‌های مربع

سیاست‌های کلی اصل ٤٤ و الزامات آن

سعید شیرکوند

در ماه جاری ابلاغ بند«ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی فضای رسانه‌ای کشور خصوصاً در عرصه اقتصادی را تحت تاثیر قرار داد و رسانه‌های کشور خصوصاً رسانه ملی با بهره‌گیری از توان کارشناسی خویش به تبلیغ و تمجید از آن پرداختند. این اولین بار نیست که پس از ابلاغ یک دستورالعمل یا اعلام یک راهبرد اقتصادی، فضای رسانه‌ای کشور با حداکثر ظرفیت به حمایت و تجلیل از آن اقدام می‌پردازند و تنها موافقان و مدح‌کنندگان، ابعاد مختلف نتایج انتظاری را در یک فضای ذهنی به بحث می‌نشینند. ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، ابلاغ سیاست‌های کلی مربوط به برنامه ۵ساله چهارم، تصویب برنامه ۵ساله چهارم، ابلاغ بند الف و بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و بسیاری دیگر از اینگونه خط‌مشی‌گذاری‌ها طی سال‌های گذشته سرنوشت مشترک و مشابهی داشته‌اند. از زمان صدور راهبرد، فضای رسانه‌ای کشور خصوصاً رسانه ملی تنها با استفاده از نظرات موافقان به ترسیم اهداف غایی و دستاوردهای ذهنی این راهبرد پرداخته و پس از چند هفته همه چیز پایان پذیرفته و مجلس و دولت و نهادهای اقتصادی کشور راه خویش را همچون گذشته می‌پیمایند. وجه مشترک کلیه این خط‌مشی‌گذاری‌ها در قالب استراتژی یا تاکتیک، آرمانگرایانه بودن و از منظر نیازسنجی برای اقتصاد کشور بسیار ضروری و مفید بودن آنها است، به‌گونه‌ای که همه صاحب‌نظران اقتصادی بر ضرورت و اهمیت آنها تاکید ورزیده و لیکن از نظر امکان اجرایی شدن به شدت دور از دسترس و غیرقابل دستیابی جلوه می‌کنند. بر این اساس نگارنده نیز درخصوص مفید، ضروری و بنیادین بودن این راهبرد، با تبلیغات رسمی انجام شده موافق است لیکن درخصوص امکان اجرایی شدن آن بسیار با تردید اظهارنظر خواهد کرد. همان طور که در این ابلاغیه ذکر شده است، بند ج در پی بند الف و بند ب مربوط به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تدوین شده است. برای سهولت در قضاوت اگر دو بند الف و ب را مورد بررسی قرار دهیم تردیدهای نگارنده پذیرفتنی خواهد بود. در بند الف مربوط به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که در اواخر سال ۸۳ ابلاغ شد مقرر شده بود که دولت طی سال‌های برنامه پنج ساله چهارم در هیچ‌یک از فعالیت‌های غیر از موارد مذکور در صدر اصل ۴۴ وارد نشده و تنها در موارد مذکور در صدر اصل ۴۴ در حد ضرورت وارد شده و به فعالیت بپردازد. چون بند الف قبل از اجرای برنامه چهارم ابلاغ شده بود و در برنامه چهارم نیز مورد توجه قرار گرفته بود سئوال اساسی این است که در سال ۱۳۸۴ و سال جاری آن مجلس و دولت بند الف ابلاغ شده را مدنظر قرار داده‌اند؟ آیا طی اجرای برنامه چهارم دولت فقط در موارد مذکور در صدر اصل ۴۴ آغاز فعالیت کرده است و در سایر فعالیت‌ها وارد نشده است؟ چون پاسخ به شدت منفی است لذا روشن می‌شود که مجلس و دولت نه تنها به بند الف توجهی نکرده‌اند بلکه عکس آن را نیز انجام داده‌اند. در بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ذکر شده بود که دولت باید در اقتصاد کشور شرایطی را فراهم کند که بخش خصوصی قدرت رشد و بالندگی لازم را به دست آورد و حتی در موارد مذکور در صدر اصل ۴۴ نیز حضور موثری داشته باشد. درخصوص بند ب نیز سئوال اساسی این است که آیا دولت با ایجاد فضای کسب و کار مناسب، تامین امنیت لازم برای فعالین بخش خصوصی (مردم مورد ادعا)، شرایطی برای حضور آنان را فراهم کرده است؟ پاسخ منفی به این سئوال زمانی آشکار می‌گردد که براساس اقدامات انجام شده نه تنها دولت شرایط حضور و فعالیت بخش خصوصی را فراهم نکرده است بلکه با تقویت حضور نهادهای نظامی و امنیتی در بحث‌های مختلف اقتصادی حضور آنان را با تهدید و تحدید مواجه کرده است به طوری که با ایجاد شرایط غیررقابتی و با حذف تشریفات مناقصه بخش خصوصی را از آن جایگاه گذشته خویش نیز به عقب‌تر رانده است. موارد مذکور در بند الف و ب به لحاظ نظری همانند بند ج مورد تایید و حمایت است اما آنچه در عمل رخ داده است برعکس آنچه بوده است که بر کاغذ رفته است. کوچک کردن حجم دولت، کاهش تصدی‌گری دولت، توانمندسازی بخش خصوصی، توزیع عادلانه درآمد، ایجاد عدالت اقتصادی، توانمندسازی دهک‌های پایین جمعیتی و بسیاری از اینگونه شعارها همواره قابل دفاع و تحسین‌برانگیز است اما مهمترین نکته در طرح اینگونه شعارها و خط‌مشی‌گذاری‌ها امکان و نحوه اجرایی شدن آن است. اولین بار نیست که در کشوری اهداف فوق‌الذکر مورد توجه قرار گرفته است، دستیابی به اهداف فوق در بسیاری دیگر از کشورها تجربه شده است و این تجربه‌ها در اختیار ما قرار دارد. چرا همچنان می‌خواهیم در همه زمینه‌ها چرخ را از نو بسازیم. اولین و مهمترین گام در دستیابی به اهداف فوق، ایجاد فضای کسب و کار مناسب، فراهم ساختن امنیت همه جانبه برای بخش خصوصی، به رسمیت شناختن حقوق مالکیت و تنظیم هر چه بهتر رابطه دولت با فعالین بخش اقتصادی است. بدون دستیابی به این الزامات، بندهای الف و ب و ج امکان اجرایی شدن نخواهد داشت.